سه شنبه 13 بهمن 1394 - 07:23

راهی به سوی سعادت نیست؛ مگر ادای فرایض و سنن

محسن اسماعیلی در شصت و هشتمین جلسه شرح نهج البلاغه گفت: راهی به سوی سعادت نیست؛ مگر ادای فرایض و سنن، و کسی هم بدبخت و شقی نشد؛ مگر با انکار و تضییع آنها.

محسن اسماعیلی در شصت و هشتمین جلسه شرح نهج البلاغه گفت: راهی به سوی سعادت نیست؛ مگر ادای فرایض و سنن، و کسی هم بدبخت و شقی نشد؛ مگر با انکار و تضییع آنها.

به گزارش خبرگزاری مهر، متنی که در ادامه می آید برداشتی از شصت و هشتمین کلاس شرح نهج البلاغه محسن اسماعیلی، عضو حقوقدان شورای نگهبان است که در مجموعه فرهنگی سرچشمه برگزار می شود.

دین نعمت است، و تضییع آن هم به ترک اطاعت یا بد انجام دادن دستورهای آن است. فرائض و تکالیف دینی نعمت است؛ چرا که راه رسیدن به سعادت و بهشت را به ما نشان می دهند، و اگر این تکالیف، از راه لطف به ما نمی شد، نمی توانستیم به تنهایی و با مدد عقل راه را پیدا کنیم.برای همین است که می گویند:«الواجباتُ الشرعیةِ الطافٌ فی الواجباتِ العَقلیةِ».

حضرت ابوتراب سلام الله علیهفرمود: « إنّ اللهَ سُبْحَانَهُ أَنْزَلَ کِتَاباً هَادِیاً بَیّنَ فِیهِ الْخَیْرَ وَالشّرّ؛ فَخُذُوا نَهْجَ الْخَیْرِ تَهْتَدُوا، وَاصْدِفُوا عَنْ سَمْتِ الشّرّ تَقْصِدُوا»؛ خداوند کتابی هدایت کننده و راهنما برای انسان‌ها فرستاده، خیر و شرّ را آشکارا در آن بیان فرموده است.

بنابراین راه خیر و نیکی را در پیش گیرید که هدایت مي شوید، و از شر و بدی اعراض کنید تا در جاده مستقیم قرار گیرید. بعد فرمود: «الفَرَائِضَ الفَرائِضَ! أَدُّوهَا إلَی اللهِ تُؤَدِّکُمْ إلَی الجَنّةِ»؛ واجبات! واجبات! در انجام دادن آن ها برای خدا کوتاهی نکنید که شما را به سوی بهشت می برد.

فرائض در اینجا به معنای واجبات است؛ چه از نوع عبادات و چه غیرآن. بعد هم به سراغ محرمات می روند و می فرمایند:« إنّ اللهَ حَرّمَ حَرَاماً غَیْرَ مَجْهُول، وَ أَحَلّ حَلالا غَیْرَ مَدْخُول»؛ خداوند حرام هایی قرار داده که حکمت آنها بر کسی پوشیده نیست، و اموری را حلال کرده که در آن عیبی وجود ندارد. شاید این جمله اشاره به همان تبعیت احکام از مصالح و مفاسد باشد که پیش از این مورد اشاره واقع شد. نه حرامش بی دلیل است و نه حلالش قابل ایراد. پس حتی اگر ما نتوانیم دلیل و حکمت آنها را بفهمیم باید اطاعت نماییم.

راهی به سوی سعادت نیست؛ مگر ادای فرایض و سنن، و کسی هم بدبخت و شقی نشد؛ مگر با انکار و تضییع آنها.

این ، نکته ای است که در همان ابتدای عهد مالک اشتر هم یادآوری شده است. حضرت به او نوشت:« أَمَرَهُ بِتَقْوَی اللهِ، وَإِیْثَار طَاعَتِهِ، وَاتّبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِی کِتَابِهِ: مِنْ فَرَائِضِهِ وَسُنَنِهِ، الّتِی لاَ یَسْعَدُ أَحَدٌ إلاّ بِاتّبَاعِهَا، وَلاَ یَشْقَی إلاّ مَعَ جُحُودِهَا وَإِضَاعَتِهَا»؛ او را به تقوای الهی فرمان می دهد و به ایثار و مقدّم داشتن اطاعت خدا و پیروی از آنچه در کتاب او به آن امر فرموده اعم از فرایض (واجبات) و سنن (مستحبات) دستور می دهد؛ همان دستوراتی که هیچ کس جز با متابعت آنها روی سعادت نمی بیند و جز با انکار و ضایع ساختن آن در مسیر شقاوت و بدبختی واقع نمی شود.

نماز؛ مهمترین تکلیف الهی

البته در میان فرائض دینی، از تضییع برخی فرائض مثل جهاد و از همه بیشتر ازتضییع نماز برحذر داشته شده‌ایم؛ زیرا نماز ستون دین است. پس از ضربت ابن ملجم لعنت الله علیه، از جمله وصایا امام به حسن و حسین علیهمالسلام این بود که: «اللهَ اللهَ فِی الصّلاةِ، فَإِنّهَا عَمُودُ دِینِکُمْ».

سفارش به حفاظت از نماز که در قرآن هم آمده است:« حَافِظُوا عَلَی الصّلَوَاتِ»؛ این است که آلوده به ریا نشود، با تأخیر و بی حال خوانده نشود و .... .

تعبیر دیگری که در نهج البلاغه بکار رفته است، «تعاهد» نسبت به نماز است.تعاهد یعنی سرکشی، مراقبت و اصلاح کردن. این

تعبیر در مورد کسی که به املاک و مزارع خود سرکشی کرده و در اصلاح آن می کوشد به کار می رود، بنابراین جمله بالا اشاره به این است که آموزش های خود را در مورد واجبات و مستحبات و مکروهات نماز ادامه دهید به گونه ای که هر روز نماز شما از نمازهای روز های گذشته بهتر باشد.

از سفارش های حضرت به اصحاب و یارانش این بود که:« تعَاهَدُوا أَمْرَ الصّلاَةِ، وَ حَافِظُوا عَلَيْهَا، وَ اسْتَكْثِرُوا مِنْهَا، وَ تقَرّبُوا بِهَا، فَإِنّها "كانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَاباً مّوْقُوتاً"»؛از نماز به خوبی مراقبت کنید و در محافظت از آن بکوشید. بسیار نماز بخوانید و به وسیله آن به خدا تقرّب جویید؛ زیرا نماز بر همه مؤمنان در اوقات مخصوص واجب است.

سپس اشاره ای لطیف به ایاتی از قرآن داشته و می فرمایند:« أَلاَ تَسْمَعُونَ إِلَى جَوَابِ أَهْلِ النّارِ حِينَ سُئِلُوا:" مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ، قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلّينَ"»؛ آیا پاسخ دوزخیان را در برابر این سؤال که "چه چیز شما را به دوزخ کشانید؟"، نمی شنوید که می گویند: ما از نمازگزاران نبودیم.

اهمیت نماز؛ خصوصاًبرای زمامداران

نماز برای همه سرنوشت ساز و مهم است، اما هرچه منزلت و مسئولیت اجتماعی انسان بالاتر رود، نیازش به نماز و اجتناب از تضییع آن بیشتر خواهد شد. از این رو، صاحبان قدرت و منزلت باید توجه بیشتری به آن بنمایند، و از پیامبر خود الگو بگیرند.

علی علیه السلام نیز به هنگام انتصاب برخی افراد به این نکته تأکید فرموده است. از جمله در حکم مسئولیتی که برای محمدبن ابی بکر در مصر نوشت، دستور داد که:« ... صَلّ الصّلاَةَ لِوَقْتِهَا الْمُؤَقّتِ لَهَا وَ لَا تُعَجّلْ وَقْتَهَا لِفَرَاغٍ وَ لَا تُؤَخّرْهَا عَنْ وَقْتِهَا لِاشْتِغَالٍ وَ اعْلَمْ أَنّ كُلّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبَعٌ لِصَلَاتِكَ»؛ نماز را در اوقات خودش بجا بیاور! نه آنکه به هنگام بیکاری در انجامش تعجیل کنی و به هنگام اشتغال به کار، آن را تاخیر اندازی،و بدان که تمام اعمالت تابع نمازت خواهند بود!

به مالک اشتر هم همین مطلب را نوشت و فرمود:« وَ إِذَا قُمْتَ فِي صَلَاتِكَ لِلنّاسِ فَلَا تَكُونَنّ مُنَفّراً وَ لَا مُضَيّعاً فَإِنّ فِي النّاسِ مَنْ بِهِ الْعِلّةُ وَ لَهُ الْحَاجَةُ وَ قَدْ سَأَلْتُ رَسُولَ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حِينَ وَجّهَنِي إِلَى الْيَمَنِ كَيْفَ أُصَلّي بِهِمْ فَقَالَ صَلّ بِهِمْ كَصَلَاةِ أَضْعَفِهِمْ وَ كُنْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيماً»؛هنگامی که به نماز جماعت‌برای مردم می‌ایستی باید نمازت نه نفرت‌آور و نه تضییع‌کننده باشد؛ یعنی نه آن قدرآن را طول بده که موجب تنفر مامومین شود و نه آنقدر سریع که نماز را ضایع کنی؛ چرا که در بین مردمی که با تو به نماز ایستاده‌اند،هم بیمار وجود دارد،و هم افرادی‌که کارهای فوری دارند. هنگامی که رسول خدا (ص)مرا بسوی«یمن»فرستاد، پرسیدم:چگونه با آنان نماز بخوانم؟در پاسخم فرمود:نمازی بخوان؛ همچون نمازی که ناتوانترین آنها مي خواند،و نسبت‌به مؤمنان رحیم و مهربان‌باش!

یکی از نمونه های تضییع نماز که حضرت در اینجا نام می برد، مربوط به نمازهای جمعه و جماعت است؛ به این شکل که مأمومین را زده و بیزار کند.

معنا و حرمت تضییع نماز

بنابر آنچه گفته شد، در کنار همه نعمت ها باید مراقبت خاصی نسبت به عدم تضییع نماز داشته باشیم. تضییع نماز هم شکل های گوناگونی دارد؛ از ترک آن تا تأخیرهای بی دلیل و نداشتن توجه و حضور قلب. آنقدر در ایات و روایات در این مورد هشدار داده اند که مرحوم شیخ حر عاملی باب جداگانه ای در وسائل الشیعه برای آن اختصاص داده و حکم به حرمت تضییع و وجوب محافظت از نماز کرده است.

قرآن به صراحت می فرماید: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلّينَ الّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»؛ وای بر نمازگزارانی که در نماز خود سهل‌انگاری می‌کنند.

در یکی از احادیث این باب از وسائل الشیعه آمده است که مُحَمّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ می گوید: از امام کاظم علیه السلام در باره معنای این آیه پرسیده و امام فرموده اند که:« هُوَ التّضْيِيعُ»؛ مقصود تضییع نماز است. نه ترک آن!

تدوین کتاب های متعددی تحت عنوان هایی مانند «اسرارالصلوة» یا «آداب نماز» از سوی عالمان و عارفان برجسته، از جمله امام خمینی (ره)، به منظور حفاظت از این فریضه اصلی و جلوگیری از تضییع آن است. خواندن این کتاب ها را نباید فراموش کرد. ایشان در ابتدای کتاب «آداب الصلاة» موعظه ای بلیغ در این باره دارند که شایسته تأمل است.

امام نوشته اند:«آنچه در این مقام باید دانست آن است که اکتفا نمودن به صورت نماز و قشر آن و محروم ماندن از برکات و کمالات باطنیّه آن، که موجب سعادات ابدیّه بلکه باعث جوار ربّ العزّة و مرقاة عروج به مقام وصول به وصال محبوب مطلق- که غایت آمال اولیاء و منتهای آرزوی اصحاب معرفت و ارباب قلوب بلکه قرّة العین سیّد رسل صلّی اللّه علیه و آله است. از اعلا مراتب خسران و زیان کاری است که پس از خروج از این نشأه و ورود در محاسبه الهیّه موجب حسرتهایی است که عقل ما از ادراك آن عاجز است. ما تا در حجاب عالم ملك و خدر طبیعت هستیم از آن عالم نمی‌توانیم ادراکی نماییم و دستی از دور بر آتش داریم. کدام حسرت و ندامت و زیان و خسارت بالاتر از آن است که چیزی که وسیله کمال و سعادت انسان و دوای درد نقایص قلبیّه است و در حقیقت صورت کمالیّه انسانیّه است، ما پس از چهل پنجاه سال تعب در راه آن از آن به هیچ وجه استفاده روحیّه نکرده سهل است مایه کدورت قلبیّه و حجابهای ظلمانیّه شود، و آنچه قرّة العین رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلم است موجب ضعف بصیرت ما گردد یا حَسْرَتی علی ما فَرَّطْتُ فی جَنْبِ اللّه.

پس ای عزیز، دامن همّت به کمر زن و دست طلب بگشای و با هر تعب و زحمتی است حالات خود را اصلاح کن و شرایط روحیّه نماز اهل معرفت را تحصیل کن؛ و از این معجون الهی که با کشف تامّ محمدی صلّی اللّه علیه و آله برای درمان تمام دردها و نقصهای نفوس فراهم آمده استفاده کن؛ و خود راتا مجال است از این منزلگاه ظلمت و حسرت و ندامت و چاه عمیق بُعد از ساحت مقدس ربوبیّت جلّ و علا کوچ ده و مستخلص کن و به معراج وصال و قرب کمالْ خود را برسان؛ که اگر این وسیله از دست رفت وسایل دیگر منقطع است: انْ قُبِلَتْ قُبِلَ ما سِواها؛ وَ إِنْ رُدَّتْ رُدَّ ما سِواها».